

مصرفست هر گاه اجانب بخيال مداخله در افتند آن وقت بر و ساي عامه دستوري داده خواهد شد که از آزوي با ايشان معامله و رفتار نمايند

(امضا) سسيل اسپرينك رايس

نمره - ۲۹

مکتوب سيرا سپرينك رايس بسر ادوارد کري (وصول

هشتم ژويه)

ار فلهك مورخه ۲۱ ژوان ۱۹۰۷

باکال افتخار خلاصه حوادث و اتفاقات عمومي ايران را

که در ماه ژوان بوقوع پيوسته لفاً ارسال مي دارد .

(امضا) سسيل اسپرينك رايس

در تلو نمره (۲۹)

خلاصه حوادث يكماهه

شمال ايران

طهران

مجلس ملي - مذاکراتيکه در طرف هفته اخيره ماه مه د.

مجلس ملي مطرح يافته و استمرار داشت راجع بود به تسنوي

حقوق افراد مردم در پيشگاه قانون بدون رعایت مذهب - و در

اي مخصوص قرار شد که يك ماده الحاقيه بقانون اساسي ضميمه شود

ولی بواسطه اتفاق احزاب بر ضد دولت دفته آن مذاکرات بختم
انجامید و موضوع دیگر بیان آمد

در تبریز بازارها تامدنی تعطیل و دکا کین بسته شده بود و
نجا بمجلس طهران بدین مضامین اخبار دادند که جمعی از طرف
شاه کاشته شده اند که انجمن ایالتی را دچار مشکلات نمایند و
قتونی مرکب از چریک بطرف شهر رهسپارند و نیز کارکنان
شاه باشخاص معین پول داده اند که بعضی از اعضاء انجمن را
بقتل رسانند - دیگر آنکه رحیم خان رئیس دزدان قرچه داغ
که این وقت در طهران اقامت داشت به پسر خود موسوم به بیوک
خان تلکراف نمود که اعمال وی در پیشگاه شاه مورد بسی تمجید
واقع گردید .

این تلکراف هم اهالی تبریز را بخشم در آورده و هم
مردمان طهران را بهیجان بطوریکه جداً خواهان مقید ساختن
رحیم خان شدند که فوریت انجام یابد - دولت پس از دو روز
سر نافتن عاقبت روز ۲۷ ماه مه ناچار بقبول این امر تن داد -
روز ۲۵ و ۲۶ بازارها را در طهران بستند و چندین هزار نفر
بالحالت هیجان در مجلس اجتماع نموده روز ۲۵ را تقریباً تا ساعت
پنج از شب در آنجا توقف داشتند - مردم جشن مولود شاه را
که بایستی شب ۲۶ چراغان نمود مانع شدند حتی بانک شاهنشاهی
را اجازه آیین بستن و چراغان ندادند - اهالی طهران در نمایش

و بروز حسیات خویش وضع انقلاب و شورش را اتخاذ نموده بودند - و نطقهاییکه در محفل مجلس می شد تمام بر ضد سلطنت بود - اجزاء وزارت امور خارجه اظهار میداشتند که احکام خواهشهای مردم که تماماً صحیح و صوابند پذیرفته نشود همگی بطور اجماع ترك مشاغل خود را از وزارتخانه خواهند نمود و باید دانست که متجاوز از هجده ماه است تابش آن مواج و حقوق اداری پرداخته نشده است .

در مدت این اقامت دسته از مغرضین مقصد ریاست برخی از ملاهای مشهور از جمله شیخ فضل الله مجتهد و نیز رئیس سیدها منقب به نقیب السادات در ضدیت و مخالفت با مجلس ملی جدیدی وافی و فعالیتی شایان ملاحظه ظاهر ساختند - نقیب السادات پسر خود را بسفارتین انگلیس و روس روانه نمود تا اطلاع دهد که دو هزار نفر میخواهند بسخت بایندی بعنوان تعرض و شکایت از اقدامیکه مجلس بتازه کی در موقوف داشتن تیولات اختیار کرده است بدان سفارتین ورود نمایند - چون بکلی بی اعتنائی دیدند دیگر تجمعی ننموده ظاهراً اینگونه تشبثات و دسیسه کاری را حالیه تا اندازه متروک داشته اند

روز ۳۰ ماه مه مسیو نوز از طهران عزیمت نمود و در ورود بازاری مردم ویرا مانع از حرکت گردیده بدو به تالکراف از مجلس شورا سؤال نمودند که آیا مشارالیه بتصویب مجلس از

این مملکت خارج می شود یا بدون اطلاع عازم است؟ - بالاخره پس از حصول اجازه داخل کشتی گردیده روانه شد بی پولی اثر شدیدی نموده و دولت بی اندازه اظهار احتیاج می نماید و اتابك اعظم در تمام مواقع به آن خیلی اهمیت می دهد - چندی گذشته در طرح بانك ملی و تاسیس آن مجدداً اقدام ضعیفی بعمل آمد و اتابك اعظم پیشنهاد نمود که بایستی مبلغ دو بیست هزار لیره از بانك شاهنشاهی برای بانك ملی استقراض تجارتنی و مساعدت طلید ولی مسبو را اینو (رئیس سابق بانك شاهنشاهی اظهار داشت که بانك شاهنشاهی بدولت ایران فشار آورده است که تادیه همین مقدار قرضی که نموده است بخاید و دیگر آنکه بانك ملی هنوز وجود خارجی ندارد - در همین اوقات سربازها در اخذ حقوق بنای فشار را گذاشتند و نیز بدیسهای طهران برای مطالبه مواجب پس افتاده يك ساله خویش اجتماعات و سختگیری می نمودند

چندین روز نامه جدید بتازمکی ابداع گردیده که مسلك طرفداری عامه (دیموکراتیک) و ضد اشرافی را اختیار نموده اند .

روز پانزدهم همین ماه شخصی موسوم بر جَب افندی به ضرب کلوله بهنگام روز در طهران بمقتل رسید

تبریز

در مدت نجه اخیر ماه مه بازارها تعطیل و بسته گردید و شهر عملاً بحالت نظامی در آمده بود — دستجات مسلح که دو خدمات انجمن ایالتی اشتغال داشتند شبها را به پاسبانی و محافظت کوچها می پرداختند و از همین قیل پاسبانی تمام معابر و گذرگاه های شهر را نگهبانی نموده از تمام غایبین خواه اشخاص که داخل و یا خارج از آن اماکن می شدند اسم شب خواسته حتی هر یک را با کمال دقت تفحص و رسیدگی می نمودند .

روز بیست و یکم ماه مه سه نفر بزم کشتن جمع معینی از اعضای انجمن ایالتی که در تلگرافخانه متوقف بودند بدانجا وارد شدند — از حرکات و رفتاریکه می نمودند درباره ایشان سوء ظن حاصل آمد بدان واسطه بکرفتاری هر سه تن اشارت رفت — از آنها یکی بمدافعه و یا فشاری ایستاد از آن جهت هدف کلوله گردید از پای در افتاد و جراحتی مهلك یافت — آن دوی دیگر را که مجروح نبودند بقدری زدند تا عاقبت اقرار کردند که هر سه از اهل فرجه داغ باشند و یکی از ملازمان شاه ملقب باکرم السلطان بهر يك وعده اعطای صد تومان و يك قبضه تفنگ نموده است که اعضای ویسه انجمنرا بقتل رسانند — آنکه مجروح بود قبل از حالت احتزار باکمال احتیاط بیانات دو همقدم بداندیش خود را ثابت و تصدیق کرد

روز بیست و دویم انتشار یافت که بیوک خان پسر رحیم خان باسوار و جمعیت زیاد بطرف شهر رهسپار است و تمام دهات بین راهرا غارت مینماید - دوروز بعد تلکراف بدین مضمون اشاعه یافت که یکی از طوایف محلی تمام دهات رحیم خانرا درغیاب پسرش مشغول غارت و چپاول شده و پسر رحیم خان مجبور بمعاودت گردید که املاک پدر خود را از تاراج محافظت نماید لهذا خوفی که از حرکت وی بجانب تبریز همرا فرا گرفته بود بواسطه اشاعه این خبر تا اندازه فرو نشست - روز بیست و پنجم مکتوبی از بیوک خان بعنوان حاکم بدست آمد که در آن اظهار داشته بود بسیاری از دهاترا غارت کرده است و اگر حکومت قول بدهد حاضر است بشهر تبریز وارد شود و انجمن ایالتی را نابطهران بدواند - وقایع فوق چنانچه مستر واتیسلا راپورت میدهد بیشتر سبب تنفر و بی اعتمادی عموم مردم از شخص شاه گردیده است .

بعد از آنکه مکتوب بیوک خان بچنگ آمد فوراً حاکمرا بقید حبس در آوردند وتامدت دو روز یعنی از ۲۵ تا ۲۶ مه این مطالب در مجلس طهران مطرح مذاکره بود و عاقبت نتیجه مباحثات این شد که رحیم خانرا کرفتار نمایند چنانچه از این پیش مذکور گردید - پس از کرفتاری رحیم خان اغتشاشات تقریباً روی به تخفیف و آرامی نهاد و بهمین طریق باقی بود تا پنجم ماه

ژوان که بواسطه کم یابی نان دوباره تجدید یافت - اهالی تبریز برای مطالبه و حصول کتدم بتلکرافخانه ~~که~~ تا آن وقت وکلای انجمن در آنجا متوقف بودند اجتماع نموده و در آن روز یکنفر زتجار متمول شهر را باحتمال اینکه کتدم احتکار کرده است بقدری زدند تا هلاک کردید بعد چندشرا در خارج تلکرافخانه آویختند و تاهدتی اضطراب شدیدی مردمرا فرا گرفته بود چنانچه صاحبان غله و کتدم از ترس مصمم شدند که بقونسوخانه اعلیحضرتی پناهنده شوند - * مستر - استه ون - که در غیاب مستر راتیسلا و مسافرتش بلندن امور قونسوخانه را در عهده داشت مردمرا از دوباره تحمسن جستن بقونسوخانه منصرف کرداید .

اواخر ماه راپورت رسید که درماکو از محال شمال غربی آذربایجان اعتشاش و بی نظمی در بیوست و مردم رئیس خود را از آنجا خارج نمودند -

در گرفتاری پیوک خان اقدامات به عمل آمده ولی هنوز بدستگیری او موفق نشده اند .

رشت

روز بیست و پنجم مه کار گذار وزارت امور خارجه از آنجا عزیمت نمود و چون حاکم جدید هنوز وارد نشده است ~~کویا~~ مواظبت در امور حکومتی را بامانای خود ابن ولایت واگذار کرده

* مستر استه ون - وبتوسول انگلیس در تبریز

باشند و بدیجه است که بالنسبه نظم و آرامی اعاده یافته باینکه طرفداران ملت بفعالیت خویش همی افزودند - روز دوم این ماه که انجمن ولایتی از اوضاع تبریز مطلع گردید احساسات خود را در همراهی با تبریزیان اظهار داشته و بازارها را بستند - و با تبریز و طهران مشغول مخاربات تلگرافی شدند و بتوسط سفارت اعلیحضرتی پیغاماتی چند بمجلس طهران فرستادند .

پس از آنکه دانسته شد که امور تا اندازه موافق رضایت خاطر جمهور انجام پذیرفته است آن وقت بیاز کردن بازارها اقدام نمودند .

طاش که یکی از بلوک ساحل بحر خزر و واقع مابین اترلی و آستارا است منشوش کردید و خبر اغنشاش آن اشعار یافت - چون انجمن ولایتی اترلی بواسطه نزاع داخلی منحل شد بنا بر این روز هفتم ماه مه در آنجا نیز بی نظمی و مرج و مرج روی داد .

مرکز ایران

اصفهان

حضرت والا نیرالدوله بجای نظام السلطنه بمحکومت اصفهان منصوب گردیدند - سر دسته های ملتیان تبریز به مجتهدین اصفهان تلگراف نموده در فشار آوردن پشاه استمداد طلبیدند و آقا نجفی

بمردم توصیه نمود که تا مواد متمم قانون اساسی باامضای شاه نرسد مالیات را ادا نکنند و نظام السلطنه که این حکمرا شنید بملاقات وی شافت و عاقبت گفتگوی ایشان در آن خصوص منجر به تشدد و تغییر گردید - چون متمم قانون اساسی از مواد مهمه است هنوز در تحت نظریات و مذاکرات مجلس طهران باقی است .

آقا نجفی روزی در مسجد شرح مفصلی از فوائد متروک داشتن اقمشه ارویاتی بیان نمود و میگفت او و سایر علما از این بعد به ترك منسوجات فرنگی خواهند کوشید و نیز انجمن ولایتی مکتوبی بحاکم نوشت که در ممانعت ایرانیان از فرستادن اطفال خویش به مدرسه دعاة عیسوی مساعدت و همراهی نماید

بختیاری

اخباریکه در موضوع عزل صمصام السلطنه از رتبه ایلخانی ~~کری~~ واصل شد تماماً مشعر است بر اینکه سبب عمده آن تحریکات و دسائس نظام السلطنه بوده که باحوالین این طایفه معاندت و ضدیت را دارد .

مجدداً خبر رسید که مقام ایلخانی ~~کری~~ دو باره به صمصام السلطنه تفویض ~~کردید~~ و آن مقارن بود با عزیمت نظام السلطنه از اصفهان بطرف شیراز که مقرر حکومت جدید وی است و در آنجا دیگر ارتباطی با این ایل نخواهد داشت . این تغییرات قبل از ورود امین السلطان بطهران بود که

محتمل است در استقرار مصمص السلطنه اقدام و جدیت نموده باشد .

خلاصه - در اواخر ماه مه مابین حامیان طرفین نزاع در پیوست و سواران مصمص السلطنه بهر سو روانه شده بکاروان و قوافل حمله می آوردند .

سلطان آباد

حاجی آقا محسن که در این نواحی مرتکب بیسی شرارت‌های بیرحانه شده هنوز آزاد میباشد و مجلس طهران تاکنون نتوانسته است وسایل گرفتاری او را فراهم سازد

جنوب ایران

شیراز

اوضاع شهر شیراز تا مدت یکماه بواسطه مخالفت فرق مختلفه باغنتشاش می گذشت و قوام الملك که ظاهراً مرکز انقلابات شناخته شده بود مردم بقوت مجلس طهران و احکام شاه جداً خواستار حرکت او از شهر بودند ولی او مانند همیشه وقتی بدین سخنان نگذاشته امتناع از پذیرفتن تقاضای ایشان داشت بنابراین اجتماعات متضاده تشکیل یافت بدینطریق که مردم یکی از مساجد را مامن خویش قرار داده در آنجا مجتمع شدند و طرفداران قوام برضد ایشان در مسجد دیگر جمعیت نمودند و بیسی گفتگوها

که بمیان آمد — خوش بختانه قنصل انکلیسرا مانند واقعه سابق در این منازعه مداخلتی ندادند — در همین اوقات خبر داده شد که قوام الملک از شهر خارج گردید

راهها بهمان حالت نامنی همیشگی باقی است و از قرار واپورتهای که می رسد کاروان و پست اتصال دچار سرفت می کردند .

(امضا) چرچیل

از قلمك ۱۸ زوان ۱۹۰۷

ضمیمه خلاصه یکماهه راجع به تجارت

نظر تجاروتی در ایران بهر نحوی که تصور شود امید بخش نیست چه اوضاع سیاسی چنان غیر معلوم و نامعین است که ضرر تجارترا با منافع احتمالی آن هیچ قدر تناسی مابین نباشد — حالیه بواسطه احتلال امور سیاسی و کمادی پول در بازار و عدم امنیت طرق و شوارع اعمال تجارت به آن طریقیکه اطمینان خاطر حاصل آید اجرا پذیر نیست .

اداره کمکات که دچار حملات شدیدة مجلس گردیده و شاید زمانی تماماً بدست ایرانیان بازگشت نماید و البته در آنوقت نتیجه جز بی نظمی بخشیده نخواهد شد هنوز در تحت ریاست بلژیکیها باقی است ولی بر شکایات سابقه افزوده نگشته است

نمره - ۳۰

سر ادوارد کری به سیراسپرینگ رایس

آقای من
از وزارت امور خارجه ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۷
مکتوب مورخه ۱۸ ماه گذشته شما را که حاکی از
پناهندگی متحصنین بقونسولخانه اعلیٰحضرتی در کرمانشاه و شایک
کردن مدعیان بلژیکی ایشان ازخارج بطرف آنها بود واصل گردید
اقدامات شما را در اینخصوص چنانچه راپورت داده بودید تمجید و
تحمین می نمایم

(امضا) ا - کری .

نمره - ۳۱

مکتوب سیراسپرینگ رایس بسر ادوارد کری (وصول

ششم اوت)

ارقلهك ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۷

باکال اقتضار عرض می نماید که چون در ششم همین ماه
بمحضور شاه شرفیاب شدم بجهات معینه مصلحت چنین دیدم که
این شرفیابی وسی را موقی مختم شمرده از اوضاع ایران به آن
اعلیٰحضرت بیانات سخت مروض دارم

یکی از مجتهدین عمده باجی از اتباع خود برای پرتست
نمودن و تعرض بر مشروطه و انکار مجلس شورا بت اختیار
کرده و آنچه را که تقاضا می کند مشتمل است بر طرد و نفی

بیشتری از اعضای عالیه مجلس و اعاده اساس قدیمه و اجرای آن -
 دو هر روز يك مبلغ کثیری که تقریباً معادل است با صد لیره برای
 مخارج باو داده می شود و عامه را اعتقاد آن است که این وجه را
 از خزانه شاهی عاید می دارد - نتیجه که این حرکت بحشیده
 است طبعاً افکار عموماً بطور شدت بهیجان و خشم در آورده
 و همه روزه خاطر مردم را از شاه بیشتر منزجر می سازد و بعلاوه
 کایه مردم ایراد میکنند که اطراف شاهرا درباریانی احاطه کرده اند
 که همان روش قدیمه را انجام داده و آنها کسانی هستند که جز بر
 کردن حیب خود از ماحصل دست و پنج ملت و یا از استقراضهای
 خارجه مقصود و امال دیگری ندارند و در حقیقت بقای مجامع را
 بزرگترین عایق و مضریشرفت مقاصد خویش میدانند

بواسطه اعتماد نامی که شاه باشکونه اشخاص دارد نامحسین
 واقعی و خیر اندیشه‌های حقیقی مورد توجه نبوده و نمیگذارند
 طرف مشاوره واقع شوند

اتابک که چندان ملی ناس عمومی نداشته و میداند
 بواسطه اینکه همان اسماً وزیر مسئول شاه است در چه موقع
 خطر ناکی گرفتار آمده و بن پیغامانی فرستاد بامید اینکه چون من
 صادقانه باشاه سخن میگویم شاید بزبان من مآثر واقع شود -
 علیهذا وقتیکه من مکتوبات پادشاه انگلستانرا تقدیم شاه نمودم
 شرف حضور را از آن اعلیحضرت تمنای خلوت کردم - شاه

با کمال کراهت و بی میلی ظاهراً اجازت داد و اشخاصی که حضور داشتند خارج شدند مگر من و عباس قلی خان که باقی ماندیم .

من شروع نموده گفتم که از زمان جلوس آن اعلیحضرت تا کنون بقدری حوادث ناهنجار و اتفاقات مختلفه روی داده که ناگزیر بشرح آن خواهم پرداخت و اعلیحضرترا از چگونگی مطلع ساخت از جمله بست سفارترا در دو موقع دزد بسرقت برده است - از طرفی مردم بحجر داخل قنصلخانه ما میشوند و از خارج بسمت آن شلیک میکنند - تجار ما گرفتار چپاول شده اند و غلام قنصلخانه را باینکه لباس رسمی قنصل خانه را پوشیده بود در ملاء عام زده اند و مقصود من از بیان این وقایع نه اینست که خاطر آن اعلیحضرترا تصدیق بدهم در صورتیکه میدانم اینگونه مطالبرا باید باوزرا گفتگو نمود ولی خاطر هایونی را از اوضاع عمومی مملکت که این حوادث از علائم و نمونه های ظاهره آنست مسبوق و مستحضر دارم و البته می دانند صکه پادشاه متبوع من سعادت و آسایش شاهرا به منتهی درجه خواهان است و چون منافع دوات ایران باریطانیای کبر پیوسته بهم است لهذا از تکالیف لازمه خود میدانم که آنچه از نقاط مختلفه شنیده در پیشگاه هایونی آشکار دارم از آنجمله میگویند که آن اعلیحضرت مخفیانه در تخریب تشکیلات و بر ضد اساس ملی که اعطای آن پیشتر باراده شاهنشاهی بوده مشغول و درکارند - هر چند دولت

متبوع من هیچگونه نظری در طرفه سلطنت ایران تا آن زمانیکه در انظار قوی و محترم است ندادد خواه سلطنت شورای یا غیر آن باشد لیکن وجود این شایعات باینکه یقین دائم کذب محض و دروغ صرف است کان می کنم استحکام سلطنت و حفظ سلطه آنرا خطری عظیم باشد — اعلیحضرت می داند که چه نوع اشخاص اطراف پدرشرا احاطه کرده خود را شاه پرست جلوه داده بودند و بچنگ آوردن ثروت و آبادی خویشان پرداخته دولتمرا پریشان و محتاج ساختند — هنوز همان نفوذ در اطراف تحت سلطنت موحود است و در تخریب مشروطیت که پادشاه در کاهداری اساس آن سوکنند یاد کرده همی آوشش دارند — اعمال ن قبیله اشخاص است که شاهرا طرف انزجار و نفرت مردم قرار داده و مقصود عمده که اینگونه اشخاص در نظر دارند فقط اخذ منافع و خرابی شخص شاه است :

شنیده شده است که دول خارجه چنان مایل باقتدار شاه می باشند که اگر تزلزل سخت و خطر شدیدی به آن روی دهد نظر بحفظ آن البته مداخله خواهند نمود بنا براین من باید جدیدی شاهرا آگاه ساختم — که اگر بامید معاضدت و کمک خارجه آن اعلیحضرترا بمجادله بر میانگیرانند حمایتی نخواهد شد — دولتمرا انگلیس و روس هر دو مصمم شده اند که بمداخله پردازند مگر در موقع محافظت منافع و مصالح خویش و اتباع خود — ولی

هرگاه مملکت بی نظم و اقتدار مرکزی معدوم و منافع خارجه در مخاطره باشد آن وقت هیچ جای تردید نیست که مداخلات حتمی الوقوع خواهند بود و در آنصورت البته موقع از دست خواهد رفت و حتی اگر موقع مداخله اتفاق افتد آن وقت اختیارات و اقتدارات شاهی بکلی اضمحلال خواهد یافت - پس چون نه شخصاً میتوانند در مقابل هیجان ملی سبزه کنند و نه انکا بکمک خارجه نیابند فقط چاره در این است که با اتحاد منوی پرداخته در پیشرفت امور تجدد واقعاً حاضر شوند تا آنکه با حس سپاس گذاری و شاه پرستی ایرانیان حشمت و شوکت آن اعلیحضرت عودت یافته اقتدار وی بر احداثش برتری یابد در خاتمه از آن اعلیحضرت استدعا نمودم استاخی مرا که مبنی از احساسات خبر خواهانه دولت متبوعه من درباره آن پادشاه و ناشی از احساس مخاطراتیکه ان اعلیحضرت را احاطه نموده معذور دارند

اعلیحضرت شاه با کمال دقت بیانات مرا اصفا می فرمود و بهیچوجه آثار کراهت بظهور نرسانیدند بلکه چون اطمینان داشتند که آنچه معروض داشته ام از طریق دولتخواهی صادقانه بوده اظهار امتنان فرمودند و میگفتند که بی نظمی مملکت نتیجه تغییرات ناکهسانی و تغییرات شدیدست ~~که~~ در اساس و طریقه حکومت داده شده و بعلاوه هر مملکتی ممکن است دچار انقلابات داخلی بشود و نیز میفرمودند همیشه عقیده من این بوده که برای

هر مملکتی سلطنت دستوری بهترین ترتیب حکومتها است ولی نه مثال مشروطه کنونی ایران - چه مجلس مشتمل بر جمعیت بی نظم نادانی است که هر يك در فکر مقاصد شخصی بوده اتصال بنازعه می پردازند که شاید آبرای کل آلود بوده ماهی بگیرند - ولی برای این مملکت يك مشروطه معتدلی لازم بود که « از یکی از ممالک اروپا اقتباس شده باشد » - اما مردم متوقعند که همه چیز را فوریت به آنها داده شود و بنا بر این لازم است انتخابات را تجدید نموده مجلس را دوباره تشکیل داد .

من در اینجا اعلیحضرت را بیاد آوردم که در نگاهداری قانون اساسی بقید قسم مازم آمده و متعهد شده است تا مدت دو سال مجلس را منقصل نسازد و هم معروض داشتم آن کسانی که صلاح اندیشی در نقض عهد می نمایند آنها می دانند که شاهرا يك خطر عظیمی که عبارت از تکفیر باشد دچار خواهند نمود که « از قول خویشان سر نافته و عهد با خود را نقض کرده » - چنین کرداری را پیشوایان کر بلا چه خواهند گفت ؟ - بلکه فقط شهرت این اراده ریان کلی برای وی خواهد بخشید چه رسد بدحول در عملیات آن ! - جواب فرمودند که « در فضا ملو است از اخبار دروغ که دشمنان ملت حمل و منتشر میکنند چنانچه به تهمت می گویند من شیخ فضل الله را تشجیع و تشویق بمخالفت می نمایم در صورتیکه بکلی دروغ است - شیخ بواسطه مناقشه ناملاهای هم

افق خویش محسن اختیار کرده و بست اشمن او ربی بشاه نخواهد داشت - از مسلمات است که تفرقه مابین شاه و رعایای او از مننعات میباشد و نمی توان آنها را از یکدیگر تفکک نمود چه هر يك لازم و ملزوم یکدیگرند .

اما راجع بمالیه - بخوبی میدانم که در ناربان پدرم قروض سابقه را بچه راهائی صرف نمودند که بهیچوجه قوایدی بر آن مترتب نبوده و من مراقبت خواهم کرد که دیگر چنین نشود - زیرا اکنون با وزیر مالیه مشغول طرح ترتیباتی هستم که مالیه را تعدیل و امور آنرا منظم نمایم لهذا می توانم اطمینان بدهم که در آتی آنچه از خارجه استقراض شود صرف نخواهد کردید مگر در راه ترقی و آبادی مملکت - و میبرمود «موقع از جهتی خیلی مشکل و کار از طرفی بسیار بزرگ است» - در جواب عرض کردم که کار بزرگ شایسته پادشاه بزرگ است و نیز اظهار داشتم که ن اعلیحضرت همه وقت می توانند اطمینان با حساسات صحیحانه و همراهی دوستانه دولت متبوعه من بنمایند - در ایام واقع مجدداً اظهار امتنان فرموده و مخصوصاً هویدا بود که در طول مدت این ملاقات با کمال مهربانی و بطریق محبت برخورد می فرمایند .

(امضا) سیل اسپرینک رایس

نمره - ۳۲

مکتوب سیراسپرینک رایس بسر ادوارد کری (وصول

ششم اوت)

ارفلک ۱۲ ژویه ۱۹۰۲

آقای من

باکال افتخار راپورت اوضاع مالیه را از قرار ذیل
معروض میدارد — تاکنون پیشرفتی در تادیه قروض بانک
شاهنشاهی حاصل نگردیده و مسیور ایننو مکتوبی مشمر بر مطالبه
قروض بوذیر مالیه نوشته که من سواد آرا لفاً باکال افتخار
ارسال میدارم و نیز در مراسلات رسمی خودم مکرر در این
خصوص بدولت ایران اظهار نموده شفاهاً جواب داده اند که
مجلس از وزیر مالیه خواهش کرده که سه ساله راضی باستهلاک
دین شود و همین مطالب را زبانی بسفیر روس گفته اند — ولی من
بر حسب تعلیماتیکه آن جناب داده اظهار داشتم که اگر کتباً در
این باب تمنا نمایند آن وقت دولت متبوعه من ملاحظات دقیقه
خود را راجع به آن دریغ نخواهد داشت معیناً نه بسن اظهار
کتابی شد و نه بسفیر روس

روش دولت ایران در مقابل تعهداتیکه بادولت بریطانیا
و طلبکاران انگلیسی نموده فقط تجاهر و تسامح باشد و هر وقت
از بابت قروض دولت روس مبتلا بفشار و سختی می شود آنوقت
از تادیه قروض جاری بانک روس بطفره و تغافل می پردازد —

مقدار این قروض جاری چنانچه از وزیر مختار روس اطلاع یافته‌ام تقریباً معادل است با ۴۲۰۰۰۰۰ ایره (۲۱۰۰۰۰۰۰ تومان) تا حال ادارات لشکری و کشوری و همچنین اعضای وزارت امور خارجه حقوق مرسومه خود را دریافت نداشته اند حتی مدت دو ماه موجب بریکاد قزاق بعقب افتاده بود و بانک روس فقط مبلغی در وجه بریکاد برای دو ماهه گذشته مساعدت نمود و متعذر است که از این بعد چنین مساعدتها بحساب جاری داده نخواهد شد مگر آنکه بنرتیب منظمی استقراض نموده رسماً آرا امضا و از محل کمرکات ضمانت نمایند . ولی وزرا از قبول آن ترس دارند زیرا اگر در نهایی قرار داد استقراض جدیدی باخارجه شود شخصاً مسؤول و مورد ایراد مجلس خواهند گردید از وزیر مختار روس و مسیو مورنارد شنیدم که بتازه کی عنوان شده است بریکاد قزاق از اداره کمرکات يك قسمتی از عایدات کمرک شالی را بهمان طریقکه از بابت قروض دولت روس برداشته می شود عاید دارد .

در این اواخر پلیسهای پاتنخت برای اخذ حقوق از خدمت کناره نمودند جلو گیری و دفع این غائله بواسطه اعانه مخصوصی گردید که بانها داده شد — و از جماعه مطالبی که موضوع بحث و ایراد واقع شده کسبل داشتن يك هیئتی است با مخارج تلاف بدربارهای خارجه برای اعلام جلوس شاه که

دولت با این اشکالات و ضیق مالیه آرا تصویب نموده است
 پول در بازار بافت نمی شود و بواسطه تنگدستی یکنوع
 فشار و زحمت دائمی فراهم آمده اما شکفت در اینست که امور
 اداری با این حالی که مشاهده می شود معهذا در جریان است و
 ادارات مختلفه با اینکه بهیچیک از اجزای آنها حقوق داده نشده
 باز در زحمات و کارهای خود مشغول میباشند - آنچه تهدید آنیکه
 بایک طریق دهشت آوری کوشش زد اناک می نمودند و ما در گذشته
 واپورتشرا ارسال داشتم تاکنون بموقع عملیات نرسانده اند -
 آشوب حالیه را نمی توان شورش عمومی نامید بلکه همان هرج و
 مرج ساکتی است که از شش ماه قبل تمام ایرانرا فرا گرفته و
 آنچه از دفاتر و (آرشیو) این سفارت مستفاد می شود انقلابات
 اتفاقیه از سنه هزار و هشتصد و نود و دو * تا حال استمرار دارد :
 از وزیر مالیه راجع باصلاحات امور مالیه که از مسائل
 مهمه شمرده میشود شخصا استعلام نمودم ایشان مذکور داشتند
 که در مالیات بستن ناراضی تا اندازه موفقیت حاصل گشته ولی
 اشکال عمده که در اینوقت موجود است نبودن قواعد تفیش می
 باشد و شاه هر مقدار پولی که خواسته باشد شخصاً حواله میدهد
 بدون آنکه تعیین نماید برای چه مقصودی بمصرف خواهد
 رسانید .

بواسطه موقوف داشتن تیولات و تصرف اراضی خالصه و نیز مقطوع نمودن مواجبه‌های ناشایسته بک مبلغ منافع ثابت معنای به بدوات عاید شده است - اما مقدمات اصلاح مالیه ناچار باعث نارضایتی مردم خواهد ~~شود~~ گردید و هیچکس بخصوص وزیر مالیه جرئت ایستادگی و مقابلی را نخواهد داشت و برخود وزیر مالیه بخوبی معلوم است که اوضاع کنونی هیچوجه امکان پذیر نیست و بن جدأ گفته است که اگر این رویه تاجندی دیگر استفاده بیابد بطور حتم استعفا خواهد داد .

حالیه نظریات او اینست که دولت بایستی تعهد و ضمانت کند که اقساط قرض خارجی منظمأ پرداخته شود نه اینکه قرار داد نماید که نوبه اصل یا استهلاک دین در مدت سه سال بطول انجامد - هر حال اگر دولتین نخواهند قرار داد محدودی نمایند البته مجلس از تعهد مذابیه ملی امتناع ورزیده قرار دادی نخواهد نمود و نتیجه معوق می ماند - من گفتم شاید در اینصورت دولتین متفقاً عمل عمومی را که در مواقع ورشکستگی معمول است اتخاذ نموده دولت ایر اثر ملزم و مجبور نمایند که در این بینهاحق استقراض از جای دیگر نداشته باشد

اظهار آنیکه بطور خصوصی با وزیر مختار فرانسه راجع بخواستن بکنفر خزانه دار فرانسوی برای کسب اطلاع از اوضاع عمومی مالیه و مدیری بانک ملی که اکنون مطرح مذاکره است شده بود

صورت مختصری یافته ولی تا حال درخواست رسمی در آن باب نشده است — البته از مسلمات است که در تبدیل مالیه فقط راهی که ممکن است به آن رسید اینست که ابتدا از حقیقت و باطن امور کاملاً استعلام نمود و پس از آن اصلاحات لازمه معین را منظور نظر آورد از جمله مراتب داشتن بودجه ثابتی از دخل و خرج و نیز مجتمع ساختن قروض مختلفه را بقرض واحد و بدین مقصود نالی نتوان شد مگر باینکه قوه فعال مؤثری که آنرا هم فقط می توان از خارج بکار برد — دولت و مردم ایران تاکنون درصدد تحقیق حالات واقعی امور بر نخواسته اند و چه حیلها که بکار نمی برند تا سلب مسئولیت از خود نموده انجام و فیصله کارها را بتاخیر اندازند .

آنچه از بیانات مسیو مورنارد و وزیر مالیه استدراک نمودم از آنروی میتوانم بگویم که اقدام واقعی در پیشرفت اصلاحات بعمل نیامده و هر مقدار بولی که استفراس نمایند فوراً تفریط و تبذیر خواهند نمود بدون اینکه اقل فایده بدولت عاید گردد — تاقتیش جدی باینکه قوه مجریه ملحق بعمل نیاید و بودجه ثابتی مرتب نگردد هر گونه ماعدت مالیه که بشود به اصراف پیوده خواهد رسید .

خلاصه اینکه با این اوضاع حاضره هیچ امید و انتظاری در اصلاح مالیه نمی توان داشت — و منابع میدهد که دولت

بتواند از آنجاها تحصیل مالیه نماید موجود نیست و قروض خارجه دولت ایران تقریباً معادل است با * ۵۰۰۰۰۰۰۰ (پنج میلیون لیره) که از آنجاها ۹۰۰۰۰۰ (نهمصد هزار) لیره قروضی است که بقرار دادهای خصوصی استقراض شده و مدتی از موعد تادیه بعضی از آنها گذشته است - از این نهمصد هزار لیره مبلغ چهار صد هزار آن بدهی بانکیس است و بانصد هزار دیگر آن به بانک روس - و هرگاه نظم و امنیت اعاده شود و بخواهند این قروض خصوصی را از عایدات کمرکات بانکه مجلس جداً از قرار داد و قبول آن امتناع دارد بپردازند آن وقت منافع آن تفاوت کلی خواهد یافت .

(امضا) سید اسپرینک ریس

ملفوظه (۱) در تلو عمره ۳۲

مراسله رئیس بانک شاهنشاهی بوزیر مالیه ایران

طهران ۱۸ ژوان ۱۹۰۷

با کمال افتخار صورت قروض دولت ایران را موافق

فهرستیکه لفاً ارسال داشته بنظر آنجناب می رسانیم .

هیئت رئیسه ما نظر بانکه دولت ایران مکرر وعده ها

داده که بدون هیچ تسامح و تاخیر به تفریح حساب خواهد پرداخت

و اقدامی نشده لذا مؤکداً بما تلکراف نموده که طلب ایشان را

* پنج میلیون لیره از قراد لیره پنج تومان معادل است با پنجاه کرور تومان

مطالبه نائیم - همچنین دقت جناب شمارا راجع به مقصد و همت هزار تومان بدهی دولت که * شاه مرحوم سند ذمه سپرده بود و تاکنون مدتی از وعده آن گذشته است معطوف به داریم - چون این مبلغ علاوه بر آن مقدار است که تهیه آن برضایت خود ما بوده لهذا بایستی در طرف همین یکی دو ماه تأدیه شود و الا هم برای دولت ایران اشکالات سخت تولید خواهد شد و هم برای بانک .

علاوه بر آنچه مذکور گردید خواهش می نائیم مبلغ بیست و سه هزار و دویست و هفتاد لیره و هفت شلینگ قسط سالانه را که از بابت مساعدت دویست و نود هزار لیره میبایستی در آوریل گذشته پرداخته شده باشد و تا حال عقب افتاده بزودی ایصال دارند

(امضا) رایینو

(عامل بروك بانک)